

شرح بريك بشنوا من بزجد
 در تلفظ چون حروف منقطع
 کرم وسطه چو خورد سکا
 کاف عین سین قاف نون دکر
 چون الفلام می الفلام می صاد
 نیز طاسین می طاسین امده
 مذکوا از صاد قاف نیز نون
 حد لازم چار یا سه فتحی
 زانکه کوری آا وقت صل
 رواج و یا و طاهما مذتبت
 الفوا و یا حروف عله اند
 بر سه ساکن همزه لیا بند
 چون او لیک مثل سین سو
 ناشد معلوم حد حکم
 از سه حرف باشند مرکب مجتمع
 مثل لام می صاد اید بیرون
 مذکوا من خوان نوا مثلش نگر
 مذکاف ها و یا و عین صاد
 هم دکر حامیم یا سین امده
 قصر جانز نه توسط هم زبون
 از الف امده نشان او نیکو ذات
 حد این حد مذکوا در ادا
 از طبیعت مذکوا این حد
 در کذا اگر واقع میشوند
 مذکوا واجب متصل خوان ز اعظام
 چه هم سپی مثل الش بر شمر
 غیر طول

اتر هذ الامر فهو خیرک
 غیر طول نبود واجب در بیان
 الف و او یا و اشباع هم
 کرمند در دو کلمه همزه را
 مثل ما نزل و قالوا انما
 جایز اشباع له اسم بین
 در مبالغه بنف ماسور
 نیر امده باله الله رس
 لاله الا هو مده داده اند
 حد جایز این شنوا ز مامر نج
 جایز جایز سه حالات او عزیز
 حروف عله چون بعد غم در رسد
 مثل دابه تصاخره ات او نور
 حد این مذکوا لازم امده
 چار الف یا پنج حدش باشند
 بر سه ساکن لیک بعد از شرح
 مد جایز من فصل دان هم
 هم و فی اذانهم انا ال
 هم دکر من عنده الاجنین
 مذ تعظیم کش تو اندر لاله
 زانکه نبود غیر او فریاد رس
 مد نشان تعظیم جایز خوانده اند
 سه الف از فتحی یا چار است پنج
 طول هم قصر توسط دان
 مذ ضروری دان بکن این بسند
 هم بخوان الله قل الذکرین
 و ندیرین هم طول جائز امده